

نگاهی به کتاب جواد طباطبایی «ملت، دولت و حکومت قانون»

حاشیه‌ای پراز متن



محمد زارع شیرین‌کندی

پژوهشگر فلسفه

خواننده هنوز چند صفحه از کتاب «ملت، دولت و حکومت قانون» اثر جواد طباطبایی را خوانده‌ و موضوع بحث در ذهنش شکل نگرفته است که ناگهان جلال آل احمد و علی شریعتی در مقابلش نمایان می‌شوند: همان دو دشمن همیشگی و همان حرف‌های تکراری. آل احمد: «اهل ایدئولوژی»، «فعال سیاسی»، «چریک روشنفکری»، «اهل پیکار سیاسی»، «فراهم‌کننده زمینه آشوب ذهنی»، «شهیدساز»، «درمانده از سیاست و وامانده از قدسانیت»، «بی‌معانویس و باوه‌باف»، «تاریخ‌ندان»، «میان‌مایه و چیزنویس»، «بی‌اطلاع و غرض‌ورز»، «نظریه‌پرداز اغتشاش فکری» و «یک نویسنده بی‌اهمیت».

شریعتی: «کسی سیاسی مخالف‌خوان آشوب‌طلب» و «نقال سیاست و واماندگی از طرفدارانش «ساده‌دل» بودند. تردیدی نیست که آل احمد و شریعتی در زمان خود، روشنفکر، اهل

ایدئولوژی چپ، فعال سیاسی و مخالف حکومت

غرب‌گرای وقت بودند. آن دو به روشنفکر و نویسنده‌بودن خویش با افتخار تصریح داشتند و حتی عناوینی مانند «فیلسوف» و «متفکر» را نه‌تنها دوست نمی‌داشتند بلکه به استهزا می‌گرفتند. ظاهرا می‌دانستند که در آینده‌ای نه‌چندان دور «فیلسوف» و «متفکر»ای بزرگ ظهور خواهد کرد و همه مبانی اندیشه‌های غرب و شرق را خواهد فهمید و با فلسفه و اندیشه با اهمیت سیاسی‌اش اهل ایران‌زمین را سیراب خواهد کرد. اما مساله این است که آل احمد و شریعتی

هم با دیکتاتوری، استبداد، خفقان و اختناق سلطنت مخالف بودند و هم با سیاست‌ها و راهبردها و تصمیم‌گیری‌های غرب‌گرایانه‌اش. آن دو کودتاها ۲۸ مرداد را که دست‌پخت غرب و سلطنت بود، دیده و آزموده بودند. آن دو از وابستگی رژیم وقت به غرب و مداخله غرب در ساده‌ترین و جزئی‌ترین مسائل ایران به‌خوبی آگاه بودند. از همین‌رو با نظام سلطنتی غرب‌گرا مبارزه می‌کردند. حال پرسش این است که چرا طباطبایی از دست این‌دو اینقدر عصبانی است؟ آن کسی می‌تواند با این دو اینقدر با کینه و نفرت دشمنی بورزد که اولاً مخالف روشنفکر چپ‌سیاسی باشد، ثانیاًمدافع غرب‌وسیاست‌های آن باشد، ثالثاً طرفدار سلطنت پهلوی‌ها باشد و طباطبایی دقیقاً چنین کسی است. طباطبایی به‌عنوان حامی منورالقری چشم‌بدراه مدرن‌نیزاسیونی دوخته بود که با پهلوی اول آغاز شده بود و می‌رفت که «ایران‌شهر» او را کاملاً متجدد و غربی کند، اما شاگردان و پیروان «ساده‌دل» آل احمد و شریعتی ممانعت کردند و برنامه‌اش را متوقف ساختند. او به‌عنوان یک ناسیونالیست و در عین حال غرب‌گرا و تجددخواه در پی آن بود که «ایران‌شهر» متجدد و غربی شود اما روشنفکران چپ باه‌ویژه شاگردان «ساده‌دل» آل احمد و شریعتی نگذاشتند. پس به‌همین سبب است که مخالف‌خوانی آل احمد و شریعتی اینقدر او را اذیت می‌کند. او علاوه‌بر آل احمد و شریعتی

از همه چپ‌های مبارز در رژیم گذشته با تنفر سخن می‌گویدازجمله‌اامیرحسین آریانپور و غلامحسین ساعدی و صمد بهرنگی و... . خواننده چند صفحه‌ای از آل احمد و شریعتی فاصله نگرفته است که با دو چهره معروف دیگر مواجه می‌شود: داریوش شایگان و رضا داوری اردکانی و شاعرهای طباطبایی بر ضدشان. مخالفت با شایگان و داوری به این دلیل است که هیدگری اند، هیچ متن سیاسی نخوانده‌اند و ایران و مضطرب‌فرنج آن را نمی‌فهمند. او اندیشه‌شایگان را «هیدگری-کربنی» می‌خواند و او را نویسنده‌ای سرگردان و بی‌محمل تلقی می‌کند که حرف‌هایش را در مباحث فلسفی نباید جدی گرفت. او کتاب داوری با عنوان «ناسیونالیسم و انقلاب» را مویه‌مو می‌شکافد تا اثبات کند که داوری، به‌عنوان استاد دانشگاه مادر، نه می‌تواند سخنان ارسطو را بفهمد و نه نظریات ژان بدن را. به این دلیل که تلقی نادرستی از تاریخ اندیشه در غرب دارد و توضیح فردیدی از تفسیر هیدگری از تاریخ غرب را جدی گرفته است. نمی‌دانم اندیشیدن با هیدگر و کربن چه گناه بزرگی است و چه جرمی نابخشودنی، که طباطبایی، به‌عنوان اهل حقوق، به همین جرم فتوای تازیانه آن دو را صادر می‌کند. شاید این رای طباطبایی که سخنان شایگان در فلسفه را نباید جدی گرفت خود سخنی جدی نباشد زیرا شایگان متفکری است که خوانندگانی در سطح جهان، به‌ویژه کشورهای فرانسوی‌زبان دارد و آثارش، دقیقاً برخلاف آثار طباطبایی

www.fdn.ir

اندیشه



سیدحسین امامی

روزنامه‌نگار

چندماه‌هی است که ویروس کرونا جهان را درنوردیده، و جهان مدرن را در شرایطی قرار داده چنانکه می‌توان گفت نقطه‌عطفی در تاریخ انسان مدرن محسوب می‌شود و توانست اوضاع را به دو بخش پیشا‌کرونا و بعد از کرونا تقسیم کند. ازجمله مهم‌ترین تأثیرات دوران پساکرونا تغییرات در عرصه روابط بین‌الملل خواهد بود. در گفت‌وگو با محمدرضا دهشیری، استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و سفیر جمهوری اسلامی ایران در سنگال به این تغییرات پرداخته‌ایم که ماحصل آن را از نظر می‌گذرانید.

|||

در زمینه تغییرات ناشی از کرونا در عرصه روابط بین‌الملل بحث‌های مختلفی شده است. از نظر شما ساختار قدرت بین‌الملل در جهان پساکرونایی آیا تغییراتی خواهد داشت؟ و چه تغییراتی؟

در جهان پساکرونا بلوک‌بندی‌های جدید قدرت و نگرش جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها را شاهد خواهیم بود و کانون‌های قدرت در جهان، تغییرات اساسی خواهد کرد. همه‌گیر شدن ویروس کرونا موجب آغاز روند جهانی‌زدایی خواهد شد. اینجانب با استفان والت درمورد «قرار گرفتن جهانی‌شدن در ICU» هم‌نظر هستم، زیرا که با توجه به تمایل دولت‌ها به‌عنوان بازیگران مرجح روابط بین‌الملل برای نقش‌آفرینی فرآینده در کنترل مرزهای ملی و حفظ امنیت و جان شهروندان خود در برابر این خطر و نیز شکسته‌شدن کمر جهانی‌سازی اقتصاد در اثر تضعیف سازمان جهانی تجارت- عملاً روندهای ملی‌گرایانه تشدید خواهد شد.

در این میان، ویروس کرونا مهم‌ترین و بیشترین تأثیر منفی را بر آمریکا و اروپا داشته و روابط بین اعضای اتحادیه اروپا را نیز با «شکاف شمال-جنوب» و «شکاف شرق-غرب» دستخوش تحول و تغییر خواهد کرد.

افول عصر جهانی‌شدن، تضعیف اتحادیه اروپا، تزلزل و بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی و جغرافیایی آمریکا در اثر تضعیف حلقه هم‌گرایی ایالات متحده، افزایش شکاف بین دوسوی پیمان آتلانتیک، تغییر محور قدرت از غرب به شرق، افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ، تقویت نقش دولت‌های ملی، بازگشت مقتدرانه ناسیونالیسم، ارتقای اهمیت دولت‌شهرها و افزایش تعداد دولت‌های ورشکسته از دیگر پیامدهای تحول ساختار قدرت در عصر پساکرونا خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود در جهان پساکرونا الگوهای دوستی و دشمنی بین کشورها نیز تغییر کند.

چه مخاطرات سیاسی و امنیتی درانتظار جهان پساکرونا خواهد بود؟

به‌نظرم جهان پساکرونا با مخاطراتی از قبیل میلتابززه شدن، بدسترسی گروه‌های تروریستی به ویروس‌های مرگ‌بار، افزایش تنش‌های سیاسی، تشدید خشونت‌ها و اشتباهات محاسباتی، ناتوانی در مدیریت مخاصمات مسلحانه، تشدید جنگ سرد و رقابت‌های تبلیغاتی قدرت‌های بزرگ، بروز خلأ کنشگری در مدیریت بحران‌های بین‌المللی، افزایش بی‌مسئولیتی حقوقی، ازهم‌گسیختگی سیاسی، جاسوسی بیولوژیک و جنگ روایت‌ها بین قدرت‌های بزرگ روبه‌رو خواهد شد.

با این وصف، تغییرات کلان اقتصادی نیز در راه است؟
در جهان پساکرونایی لیبرالیسم در اعمال توازن بین اقتصاد و سلامت مردم [عاجز مانده و] در سراسیمی سقوط قرار می‌گیرد و اقتصاد بین‌الملل، به‌دلیل رویکردهای منفعت‌طلبانه و نگاه کالامحور به انسان، شاهد شکنندگی نظام سرمایه‌داری لیبرال، کاهش رشد اقتصادی جهان، سیر نزولی تجارت بین‌الملل، تشدید جریان رکود ترومی، تضعیف بنگاه‌های کوچک و متوسط، تلاش شرکت‌ها برای کوچک‌تر کردن خود، اهمیت مضاعف اقتصاد دیجیتال، فضای مجازی و بستری بلاک‌چین، افزایش اهمیت استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای خُرد خواهد بود.

به‌نظر می‌رسد ظهور فاجعه کرونا، بحث امنیت را وارد عرصه جدیدی کرد. به‌نظر شما امنیت جامعه بین‌الملل در عصر پساکرونایی چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟

جامعه بین‌الملل در عصر پساکرونا واجد ویژگی‌هایی چون تنوع امنیت بر آزادی، اقتدارگرایی و تضعیف دموکراسی، کنترل فرآینده دولت‌ها بر تلفن‌های همراه و پروفایل‌های شهروندان، افزایش فاصله اجتماعی، کوچک‌تر شدن جمع‌های دوستانه، ارتقای اهمیت شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی، تقویت رویکردهای محلی‌گرا، کوچک‌مکان و کوتاه‌مدت خواهد بود.

همچنین شاهد تقویت جریان‌های زیست‌محیطی و بوم‌گرایانه، ارتقای زیرساخت‌های نرم‌افزاری و بهداشتی، کارآمدی ساختارهای چندوجهی، منضبط و انعطاف‌پذیر، رشد دولت رفاه و گرایش‌های حمایتی آن برای مدیریت موج جدید بیکاری و تشدید سیاست‌های ضدمهاجرتی خواهیم بود.

پس بر مولفه‌های سیاستگذاری عمومی نیز اثر خواهد

گذاشت. می‌شود برای این مورد هم مولفه‌هایی برشمرد؟

سیاستگذاری در عصرپساکرونا بر مولفه‌هایی از قبیل افزایش استانداردهای بهداشت در شیوه حکمرانی، اهمیت شاخص‌های سلامت، بهزیستی و نفی مصرف‌گرایی در نظام بودجه‌ریزی، اهمیت ثبات، انعطاف و هماهنگی در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، مدیریت افکارعمومی، اعتماد، کارآمدی و سرمایه اجتماعی در پرتوی حکمرانی خوب، اجماع و انسجام و استحکام درونی، ارتقای سطح توقع بشر نسبت به سلامت عمومی در سیاست‌های جمعیتی، لزوم کارآمدی و تخصص‌گرایی در مدیریت تهدیدات زیستی، رعایت امنیت انسانی، رعایت بهداشت روانی و فیزیکی، ایمنی فردی و اجتماعی، اولویت اخلاق حرفه‌ای و امنیت مجازی، بازآرندنگی اجتماعی و بهداشتی، مدیریت جامع سلامت شهروندی، همکاری‌های منطقه‌ای برای مهار بحران‌های فراگیر، حکمرانی هوشمند، شهروندی دیجیتال، پاسخگویی و مسئولیت دولت‌ها دربرابر شهروندان و تقویت پدافند غیرعامل برای مقابله با تهدیدات تروریستی بیولوژیک استوار خواهد بود. در این رهگذر، کشورها تلاش خواهند کرد نسبت به «کاهش آسیب‌ها»، «حفظ همگرایی ملی»، «استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی»، «پیدا کردن راه‌های زیست سیاسی نوین» و «روش‌های سازگاری با شرایط جدید» اقدام کنند.

تأثیر کرونا بر رسانه‌های جمعی چگونه خواهد بود؟
جهان پساکرونا شاهد پررنگ‌شدن نقش اینترنت و ابزارهای نوین ارتباطی مانند توئیتر، غلبه رسانه‌های دیجیتال بر مکتوب، فعالیت اندک میدانی خبرنگاران در صحنه، کاهش تنوع خبری، توقف [یا کاهش] تبادل هیات‌های رسانه‌ای کشورها، اهمیت ارتقای سواد رسانه‌ای برای تشخیص فیک‌نیوزها از اخبار صحیح و تضعیف رسانه‌های دیداری به‌دلیل اختلال در فرآیندهای گردآوری، تولید، پردازش، انتشار و سنجش افکار، پرچم نیمه‌افراشته تحریریه‌ها، فعالیت محدود گروه‌های تولیدی، مانور اندک خبرنگاران در صحنه فعالیت میدانی، کاهش حضور مهمانان و کارشناسان برنامه‌ها و فقدان تماشاگران پرشور در برنامه‌های زنده خواهد بود.

در عرصه علمی هم آیا تغییراتی متناسب با این مولفه‌ها که برشمردید رخ خواهد داد؟

کرونا به ما آموخت که سیستم هشدار برای بحران‌های آینده ضروری است. جهان پساکرونا زمینه‌را برای استفاده از هوش مصنوعی و داده‌های پیچیده برای درک و پیش‌بینی تحولات، تنوع‌بخشی به زنجیره‌های تولید، سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و پزشکی، تجارت الکترونیک، ویرتین‌های مجازی، کار هوشمند، سواد دیجیتالی، آموزش الکترونیک، جهانی‌سازی عمومی به اینترنت، پزشکی دیجیتال و بیمه سلامت برای همگان و هوشمندسازی شهرها فراهم خواهد ساخت.

به‌لحاظ ژئوپلیتیکی در وضع پساکرونایی چه تغییراتی را شاهد خواهیم بود؟

نظم پساکرونایی موجب روندهایی ازجمله اهمیت محیط‌های جغرافیایی محلی و فرآیندهای از پایین‌به بالا، چرخش مرکز ثقل قدرت از ابعاد سخت به‌سوی نرم، تأثیر فرآینده ژئوهلت بین ژئوپلیتیک بهداشت بر قدرت یک محیط جغرافیایی، جهانی‌متزلزل با تشدید رقابت‌های راهبردی، تنش‌های ژئوپلیتیکی، خلأ قدرت، چندجانبه‌گرایی‌گزینشی، تضعیف همکاری‌های بین‌المللی، افزایش بی‌ثباتی‌های ژئوپلیتیکی و تسریع در جابه‌جایی قدرت خواهد شد.

آیا جهان پساکرونایی از حیث فلسفی و جهان‌بینی هم تغییر جالب‌توجهی خواهد داشت؟
کرونا این درس را به بشر آموخت که زندگی کوتاه است، مرگ به سراغ‌مان می‌آید، شغل‌ها موقتی هستند. سلامتی نعمت است. هیچ‌کس نمی‌تواند قول [و تضمینی قطعی در باب] آینده به ما بدهد. تداوم در دستان خودمان است و اینکه تنها خدا نجات‌دهنده انسان‌هاست. جهان در عصر

محمدرضا دهشیری استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کرونا و تغییر موازنه قدرت در جهان پساعربی



پساکرونایی شاهد بازگشت به ایمان و معنویت، بازیابی هویت دینی، تنبیه و خودآگاهی انسان‌ها به ضعف خود با زانوزدن دربرابر قادر متعال، روی آوردن مردم به درگاه خداوند سبحان و اتصال به منبع نور الهی با دعا، نیایش، راز و نیاز و استفاده عمومی برای ایمن ماندن دربرابر خطر ویروس کرونا خواهد بود که این مهم موجب تحول زیست‌جهان انسان، بازآندیشی در بنیادهای زندگی، بازفهمی نظام‌های معرفتی، دگرگونی دستگاه شناخت انسان با تغییر نگاه خوش‌بینانه به دانش بشری و سرانجام چالش اخلاقی تکلیف‌گرایی و هم‌پیوندی انسانی با منفعت‌گرایی و ذره‌ای‌شدن جامعه خواهد شد.

اخیرا همه از شر و رنج کرونا صحبت می‌کنند، آیا کرونا دستاوردهایی یا خبری هم با خود خواهد داشت؟

مسلما کرونا دستاوردهای مثبت هم داشته است که از آن جمله می‌توان به مواردی از قبیل توقف روند افزایشی حرارت زمین، ترمیم لایه اوزون بر فراز قطب جنوب، کاهش آلودگی هوا و فرآیند تخریب محیط‌زیست، نگاه نو به معنویت، عبادت، خداباوری و فلسفه هستی، بازتعریف انسانیت و نوع‌دوستی، اهمیت مجدد حکمرانی خوب و فراهم‌شدن مجال کتابخوانی و گفت‌وگوی خانوادگی اشاره کرد.

تحولات سیاست خارجی در عصر پساکرونا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با عنایت به اینکه روابط بین‌الملل در عصر پساکرونایی موجب تغییر موازنه قدرت در جهان پساعربی، چندمرکزی و رقابتی، امنیتی‌شدن روندهای زیست‌محیطی، تشدید بحران‌های فرامرزی آب بین همسایگان، ارجحیت دوجانبه‌گرایی بر چندجانبه‌گرایی و گسترش امواج درون‌گرایی و واگرایی در دو سوی آتلانتیک خواهد شد، شایسته‌است در سیاست خارجی نسبت به تأسیس ساختارهای نوین با توجه به پیش‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تقویت سیاست همسایگی برای مدیریت‌زمان و تغییرات جغرافیایی با توجه به بسته‌شدن مرزها و محدودیت در جابه‌جایی‌های سرزمینی، علاوه‌بر گسترش مناسبات دوجانبه و ارتقای عمل‌گرایی در ائتلاف‌ها، مشارکت‌ها و همکاری‌های راهبردی تازه و موقت اقدامات عملی صورت پذیرد.

ایران در دنیای پساکرونا چه نقشی برعهده خواهد داشت و چگونه می‌تواند از این ظرفیت‌به‌درستی بهره‌برد؟

کشور ایران دارای ظرفیت‌های بزرگ علم و فناوری است و دانشمندان ایرانی در جهان زبانزده محافل علمی بوده‌اند. پیش‌بینی می‌شود مراودات علمی و فرهنگی ایران در جهان پساکرونا تداوم یابد. در این رهگذر، شایسته است نسبت به گفتمان‌سازی برای کنشگری فعال، ارتقای صلاحیت در عرضه کتاب‌های الکترونیک، همکاری ادیان توحیدی با توجه به گرایش فرآینده به معنویت، معرفی میراث فرهنگی و ظرفیت گردشگری کشور در فضای مجازی، مدیریت فناوری‌های نو ظهور و هم‌افزایی ساختاری برای جریان‌سازی فرهنگی بین‌المللی، برنامه‌ریزی راهبردی صورت پذیرد. به‌دلیل مدیریت قابل‌قبول پاندمی کرونا، توانایی استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بومی، ملی، مردمی و نیروهای مسلح، قدرت نرم و معنایی، توان علمی، و بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور و سرمایه جمعیت جوان، روند نظام بین‌المللی در فضای پساکرونا به همکاری با جمهوری اسلامی روی خواهد آورد. ایران می‌تواند در چارچوب ارزش‌های انقلاب اسلامی و منطبق با سیاست‌های منبعث از قانون اساسی نظیر سیاست راهبردی «نه شرقی، نه غربی» به ایفای نقش موثرتر در دنیای پساکرونا پرداخته و به اتخاذ سیاست خارجی متوازن درقبال کلیه کشورهایی که حاضر به همکاری با ایران براساس احترام متقابل و حفظ استقلال و رعایت قواعد حاکم بر روابط عادلانه بین‌المللی باشند، مبادرت کند. در این میان، شایسته است تناسب بین دیپلماسی اقتصادی و سیاسی برقرار شود، ابتکار عمل و فرصت‌سازی، توان انعطاف و سازواری و انطباق با تحولات، تقویت سیاست همسایگی و تنوع‌بخشی به سیاست خارجی با تأکید بر مواردی مانند دیپلماسی سلامت و گردشگری در دستاور کار قرار گیرد.